

## ودیعہ (۱)

اليك ومنهم من ان تاملنه بديناو (۴) لا يوده اليك الى مادمت عليه قائماً الخ (سوره آل عمران)

قانون گذار فرانسه نیز در ماده ۱۹۱۵ قانون مدنی

ودیعہ را تقریباً بطوریکه ذکر شد تعریف کرده و در ماده

۱۹۱۷ قید نموده نگاه داری مال ودیعہ مجانی است.

فقهای اسلام با استدلال بآیات فوق و اخبار دیگر

معتقدند:

الف- چون امانت از کلمه امن مشتق شده و امانت گذار

حسن ظن و اعتمادی با امین داشته پس امین نسبت بمال

مورد امانت نباید خیانت یا تفریط یا تعدی نماید و در حفظ آن

باید سعی و دقت کنند الا ضامن است (ماده ۶۱۲ و ۶۱۴

قانون مدنی) ماده ۱۹۲۷ قانون مدنی فرانسه نیز مقرر

می دارد:

همان دقت و اهتمام را که امین برای حفظ مال

خود میکند برای حفظ مال مورد امانت نیز باید بعمل آورد ولی

در موارد ذیل منتهای سعی و کوشش را باید بجا آورد:

« ليس علينا في الاميين سبيل » و با این عناوین و حیلہ های

شرعی اموال مرد مرا از مسلم و مسیحی و غیره که بطریق

امانت نزد ایشان بود بدون اینکه مسئولیت اخروی برای خود

قائل شوند می خوردند و از این جهت در قرآن مفری و کاذب

معرفی شده اند « يقولون على الله الكذب وهم يعلمون ».

[۳] مشهور این است که قنطار بکصد رطل طلا یا

نقره است کلمه معرب و اصل لاتینی آن Eentennarium

می باشد.

(۴) بعضی معتقدند کلمه دینار فارسی است ولی ظاهراً

معرب از یونانی است و یونانیها نیز آنرا از کلمه Denarius

رومی اخذ کرده اند.

نظر بماده ۶۰۷ قانون مدنی «ودیعہ عقدی است که

بموجب آن بکنفر مال خود را بدیگری می سپارد برای اینکه

آنها مجاناً نگاه دارد و دیعہ گذار را مودع و ودیعہ گیرنده را

مستودع و امین میگویند.» امانت از ودیعہ عام میباشد زیرا اولی

بدون ابداع هم ممکن است تحقق پیدا کند چنانچه مرتبه

نسبت بمال سرهون و مستأجر نسبت بمین مستأجره امین

شناخته میشود ولی ودیعہ بدون ابداع تحقق نمی یابد.

راجع بموضوع امانت فقط سه آیه زیر در قرآن مجید

بنظر نگارنده رسیده است:

۱- ان الله يأمرکم ان تودوا الامانات الى اهلها

الخ (سوره نساء)

۲- فان امن بهضکم بعضاً فلیود الذی اوتمن امانه الخ

(سوره البقره)

۳- ومن اهل الکتاب [۲] من ان تاملنه بقنطار (۳) بوده

(۱) در زمان جاهلیت عادات و اخلاق بدی بین

اعراب رواج داشت ولی امانت و درستکاری کامل و محکم

نیز بین قوم حکم فرما بود چنانچه پیغمبر می فرماید

« ما من شیء کان فی الجاهلیة الا هو تحت قدمی الامامة

فانها موداة الى البر والفاجر » و در جای دیگر پیشوایان دین

امانت را مقیاس و میزان حقیقی برای دیانت قرار داده میفرمایند:

« لا تنظروا الى طول و کوع الرجل و سجدده فان ذلک شیئی

اعتماده فلو ترک استوحش ذلک و لکن انظروا الى صدق

حدیثه و اداء امانته ».

(۲) این آیه در مدح درستکاری و امانت نهارای

وقت و ذم سوء نیت بهود نازل شده زیرا کلیمی ها کسانی

را که پیرو شریعت موسی نبودند امی و عوام حساب مینمودند

و اموال امین را برای خودشان حلال میدانستند و میگفتند

و ضرب الاجل کافی نیز معین نماید که در ظرف آن مالک بتواند برای مطالبه مال خود اقدام کند در صورت انقضای مدت وعدم اقدام امین در تسلیم ودیعه بمودع هیچ مسئولیتی نخواهد داشت .

ج- از اطلاق آیات داهر برد امانت معلوم است که مقاصه نسبت بمال ودیعه جایز نیست بنابراین هرگاه امین از مودع یا مورث او طلبی داشته باشد که وصول شدن آن موقوف بر این باشد که مال ودیعه را تصرف و از قیمت آن طلب خود را استیفاء کند نمیتواند از تسلیم ودیعه که در نتیجه حسن ظن باو سپرده شده امتناع نماید .

د- گاهی در اثر اقدام خود مالک یا قائم مقام قانونی او عنوان امانت تحقق پیدا میکند مانند ودیعه و امانتی که در نتیجه عقد اجاره رهن یا عاریه حاصل میگردد و در پاره موارد نیز بر حسب امر شارع عنوان امانت پیدا میشود مثل امانت پیدا کنندگی شیئی « لقطه » و مال مأخوذ از غاصب بقصد رد آن بمالک و مال مأخوذ از ضعیف و مجنون در اثر خوف اتلاف و امثال و نظایر آن که این قسم امانت شرعیه نامیده می شود .

ماده ۱۹۴۹ قانون مدنی فرانسه میگوید: « هرگاه شخص در اثر قوه قاهره از قبیل وقوع حریق و غرق و غارت و امثال و نظایر آن مال خود را بدیگری بسپارد این امانت امانت قهری نامیده میشود امانت قهری را میتوان بوسیله شهادت شهود اثبات نمود اگر چه قیمت آن از یکصد و پنجاه فرانک هم تجاوز نماید . »

### خدمات و مشاغل عمومی

یکی از رجال فرانسه که چند سال قبل مرحوم شد در ضمن نطق خود در اجاع بمتصدیان مشاغل عمومی می گوید: « شغل عمومی و خدمت دولتی درید شاغل و متصدی آن

۱ - هرگاه خود امین حفظ مال را درخواست نموده باشد .

۲ - هرگاه بین طرفین اجرتی برای حفظ مال مقرر شده باشد . (۱)

۳ - هرگاه امین در اسر ودیعه ذینفع باشد .

۴ - هرگاه ضمن قرار داد خصوصی امین از ضبط و خطای خود مسئول شناخته شده باشد .

ب - چون مقررات امانت باهل آن رد شود پس دادن آن بغیر اهل مثل غاصب و غیره جایز نیست و در این خصوص بخبر منقول از حصص بن غیاث نیز استدلال می کنند شخص نامبرده میگوید:

مقداری نقد و اشیاء دیگر که از دزدی تحصیل شده بود از طرف سارق بعنوان امانت بیکی از مسلمین سپرده شده بود تکلیف امین از حضرت ابی عبدالله استعلام شد که مال ودیعه آیا بمودع باید رد شود یا نه؟ فرمودند مال به مودع سارق نباید داده شود در صورت امکان باید صاحب مال پیدا و مال باو تحویل یابد و در صورت عدم امکان این مال در حکم لقطه میباشد پس از آن گهی واقضای مهلت مقرر و پیدا نشدن مالک بقرا بذل میشود ( ماده ۶۲۵ قانون مدنی )

ماده ۱۹۳۸ قانون مدنی فرانسه میگوید: امین نمی تواند از مودع درخواست کند که مالکیت خود را نسبت بمال ودیعه اثبات نماید ولی هرگاه معلوم شود که مال ودیعه مال مسروق بوده در صورتی که مالک حقیقی آن معلوم باشد امین مکلف است ودیعه بودن مال را نزد خود باو اعلام کند

(۱) از ماده ۶۰۷ قانون مدنی ایران و ماده ۱۹۱۷

قانون مدنی فرانسه معلوم این است که در عقد ودیعه حفظ مال بلاعوض و مجانی است ولی چنانچه میدانیم بانگمهاوسایر بنگاهها برای حفظ ودایع حق حفظ میگیرند . در یکی از مقالات دیگر از ودایع بانگی و مقررات آن گفتگو خواهیم نمود .

امانت محسوب است پس اماناء ملت و متصدیان مشاغل عمومی باید در حفظ امانات خود کمال دقت را بجای آورند «  
 همین نکته را امیر مؤمنان نیز مکرراً به سال خود تذکر داده اند در نامه خطاب با شعث بن قیس والی آذربایجان می فرماید:  
 وان عملك ليس لك بطعمه ولكنه في عنقك امانة «

و یکی از اعمال خاین میفرماید: « اخزبت امانتك » و بخائن دیگر: « فلا ابن عمك آسیت ولا الامانة ادیت » و همچنین در موقع عزل عمر بن ابی سلمه فخرومی از استانداری بحرین می نویسد:  
 « ونزعت يدك بلاذم لك ولا نشرب عليك فعدا حسنت الولاية واديت الامانة » .  
 وحدت

## شخصیت حقوقی

بموجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند در این قانون هیچوجه راجع بماهیت و طبیعت قضائی شخص حقوقی صحبتی نشده و اگر در ضمن مواد ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ حقوق و وظایف و تاهیت شخص حقوقی تعیین گردیده تعریف جامع و مانعی از آن نشده است .

بنا بر این با اینکه لازم است در بدو امر راجع بطبیعت و ماهیت شخص حقوقی صحبت نمود مع هذا از لحاظ پیروی از طرز تدوین قانون توضیح در اطراف این موضوع را به گفتار بعدی رجوع کرده و در گفتار فعلی فقط راجع بوظایف و حقوق يك شخص حقوقی صحبت خواهیم کرد .

بموجب ماده ۸۵۵ شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مثل حقوق و وظایف ابوت . بنوت و امثال آن ها .

بنا بر این ماده شخص حقوقی از تمام مزایائی بهره مند میشود که بیک فرد تعلق میگیرد مگر آنچه که واقماً وابسته و غیر قابل تفکیک از وجود بشری است . اگر چه بعضی از مصنفین معتقدند که حتی شخص حقوقی میتواند از حقوق و

وظایفی که قانونگذار مخصوص افراد بشر دانسته است متمتع شود زیرا در تحت تأثیر عوامل اقتصادی عموماً هر شرکت یا مؤسسه دارای شعب مختلفه بوده که بحساب مرکز اصلی ابراز فعالیت مینمایند و این شعبه ها را میتوان بعنوان فرزندان مرکز اصلی دانسته و همین حقوق و وظایف بنوت را بعهده آنها گذارد .

ولی این نظریه نه تنها برخلاف نص صریح قانون است بلکه با منطق قضائی و مخصوصاً حقوقی را که برای ابوت یا بنوت تعیین شده است [ مثل ارث ] مطابقت نمینماید حال ببینیم حقوق و وظایف شخص حقوقی کدامند .

### ۱ - استقلال اموال

شخص حقوقی دارای اموالی است که کاملاً متمایز از اموال اشخاصی است که از اجتماع آنها شخص حقوقی به وجود آمده است مثلاً در شرکت به مجردی که چند نفر دور هم گرد آمده و مقداری از اموال خود را برای مقصد معینی مجتمع میکنند این اموال دیگر بآنها متعلق نبوده و فقط شخص حقوقی است که صاحب آنها شناخته میشود بهمین دلیل طلبکاران شرکت ارجح بر طلبکاران شرکاء بوده و این اموال بین آنها تقسیم خواهد شد زیرا شرکت که برای مقصد خاصی تشکیل